

NATO's Threats and Russia's Balancing Policy in the Arctic

Reza Ekhtiari Amiri¹

Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Javad Shafaghatnia Abad

A Ph.D. Candidate, International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

(Date received: 27 July 2023 - Date approved: 27 December 2023)

Abstract

Introduction: Due to environmental changes and global warming, the competition between regional powers especially NATO countries and Russia has intensified to gain geo-strategic and geo-economic advantages in the Arctic region. The Arctic holds approximately 13% of the world's oil reserves and Russia holds the largest share of the region's oil and gas resources. The Arctic also make a significant contribution to Russia's economy, accounting for one-fifth of its GDP and 30% of government revenues. Six out of eight Arctic countries are NATO members, including the United States, Canada, Denmark, Norway, Iceland, and Finland. Sweden is interested in joining this organization because of its close cooperation with NATO. The existence of common interests has increased the diplomatic and military relations among NATO member states in the Arctic and has made NATO and Russia the main players in the region. Nevertheless, Russia-Ukraine War and the subsequent increase in NATO's active presence in the region have intensified concerns for Russia in this competition. In addition, Finland's recent membership in NATO has expanded the organization's border areas with Russia and any actions by NATO member states poses a threat to Russia's interests and national security in the Arctic.

1. E-mail: r.ekhtiari@umz.ac.ir (Corresponding Author)

Research question: Considering the above factors, the main question is what is Russia's strategy to deal with NATO's threats in the Arctic region?

Research hypothesis: The study shows that Russia has adopted a balance-of-power strategy to counter NATO's threats by strengthening the military balance in the region.

Methodology and theoretical framework: This study uses a qualitative and descriptive approach to analyze the content of selected data together with subject matter analysis. The theoretical approach of the research is based on the components of Kenneth Waltz's balance of power theory, which emphasizes that governments create balance by increasing their capabilities against the dominant power in the region and international system.

Results and discussions: By adopting a multifaceted policy in the Arctic region, NATO seeks to limit Russia and its interests and national security. First, NATO has expanded its military activities in the region by increasing its bases, conducting military exercises, and establishing a submarine defense line. Second, NATO has suspended cooperation with Russia in regional Arctic organizations; on March 9, 2022, members of the European Arctic Barents Council announced the suspension of cooperation with the Russian Federation.

It was most striking when the seven members of the Arctic Council issued a joint statement and refused to participate in all meetings under Russia's chairmanship on March 3, 2022. Third, sanctions have been imposed and investment companies have left the Arctic region. Fourth, NATO worked for regional integration, Finland's membership and encouraging other countries such as Sweden to apply for permanent membership. And fifth, the internationalization of the North Sea route is another NATO threat to Russia in the Arctic. The North Sea route is one of Moscow's main interests in the region which is reflected in Russia's foreign policy documents. These actions are reminiscent of the military build-up of allies and Axis powers during World War II and the cold war as demonstrated by NATO's recent collective defense scenario. They provoked negative reactions from Russia and responded by the adopting a balancing policy against

NATO threats. To overcome these concerns, Russia has strengthened its military capabilities in the region by building radar stations and missile defense systems, increasing military forces, strengthening, and equipping the naval force known as the Northern Fleet, modernizing naval bases and conducting various military exercises.

Conclusion: Having vast territory and largest hydrocarbon resources, Russia considers the Arctic a strategic deterrent base against NATO's activities, especially those of the United States. However, since the start of the Russia-Ukraine war, Moscow has increased its emphasis on expanding military bases and strengthening military capabilities in the Arctic, Finland's membership in NATO and Sweden's potential membership have doubled Russia's border threats while tying the countries to a proxy war. NATO members know that Russia is alone in the Arctic and that its strategic allies do not have the abilities to have a military presence in the region. On the contrary, NATO member states have tried to increase the number of non-Arctic states in the region in the form of military exercises. But Russia has increased its attention to defense and security issues in the Arctic. Therefore, measures are being taken to strengthen the power of Russian armed forces in the region. Russia also has a policy of multilateralism on its agenda in the Arctic. As long as the war between Russia and Ukraine continues on the international stage, tensions will continue in the Arctic and Ukraine's efforts to get NATO and the United States more involved in confronting Russia will escalate tensions in the Arctic.

Keywords: Multilateralism, Balance of Power, Arctic, Russia, NATO.

تهدیدهای ناتو و سیاست موازنه‌سازی روسیه در قطب شمال

رضا اختیاری امیری^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

جواد شفت‌نیا آباد

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶)

چکیده

تغییرهای زیست‌محیطی و گرم‌شدن آب‌وهوا، زمینه‌های رقابت فزاینده قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه روسیه و کشورهای عضو ناتو را به‌منظور دسترسی به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک قطب شمال فراهم کرده است. در فرایند این رقابت، در سال‌های اخیر سیاست‌های ناتو در قطب شمال دشواری‌ها و محدودیت‌هایی را برای امنیت و منافع روسیه ایجاد کرده است. بر همین اساس در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هستیم که روسیه چه راهبردی برای مقابله با تهدیدهای ناتو در منطقه قطب شمال دنبال کرده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که: روسیه برای رویارویی با تهدیدهای نظامی ناتو، راهبرد موازنه قوا را با تقویت توازن نظامی در منطقه در دستور کار قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مسکو با ایجاد ایستگاه‌های راداری، ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی، افزایش نیروهای نظامی، تقویت و تجهیز نیروی دریایی معروف به ناوگان شمالی، نوسازی پایگاه‌های دریایی، برگزاری رزمایش‌های گوناگون نظامی و ایجاد فرودگاه‌های نظامی، توان نظامی خود را با هدف موازنه‌سازی در برابر تهدیدهای نظامی ناتو تقویت کرده است. روش پژوهش در این نوشتار از نوع کیفی است که با رویکرد تحلیل محتوای گزینشی داده‌ها و تحلیل‌های موجود انجام‌شده و از نظریه موازنه قوای کنت والتز برای تبیین موضوع بهره گرفته است.

واژگان اصلی: چندجانبه‌گرایی، موازنه قوا، قطب شمال، روسیه، ناتو.

مقدمه

تغییرهای زیست‌محیطی و گرم‌شدن هوا و به‌تدریج آب‌شدن یخ‌های قطبی، زمینه را برای رقابت قدرت‌های بزرگ برای دسترسی به قطب شمال، استخراج منابع و فعالیت‌های دریایی به‌وجود آورده است. در واکاوی منطقه قطب شمال، دو بازیگر اصلی در تحول‌های میدانی این منطقه دیده می‌شود که بر اساس منافع و هدف‌های خود سیاست‌های مختلفی در رابطه با این منطقه در پیش گرفتند. روسیه یکی از بازیگران اصلی در این منطقه است. سیاست‌ها و تدابیر دیپلماتیک مسکو در قطب شمال، تابعی از منافع ژئواستراتژیک^۱ و ژئواکونومیک^۲ روسیه و بازگشت به‌عنوان قدرت بزرگ بین‌المللی است. قلمروی روسیه در قطب شمال شامل ۶۳ درصد فضای آبی و ۳۷ درصد از خشکی است که ۳۵ درصد از آن در بخش قاره‌ای و ۲ درصد آن در جزایر قرار دارد (Tolstykh, 2022: 3762). حدود ۱۳ درصد ذخایر نفتی جهان در قطب شمال قرار دارد و روسیه از نظر نفت و گاز در منطقه قطب شمال رتبه نخست را دارد (Khaleev, 2019: 43). به بیان دیگر، یک‌پنجم تولید ناخالص داخلی روسیه و ۳۰ درصد درآمدهای دولت از قطب شمال تأمین می‌شود. روسیه همچنین این ظرفیت را دارد که با ایجاد عوارضی در راه دریای شمال^۳ درآمد قابل توجهی دریافت کند؛ این مسیر فاصله آسیا و اروپا را نسبت به ترانزیت جنوبی که از راه تنگه مالاکا^۴ و سوئز می‌گذرد ۳۰۰۰ مایل کوتاه‌تر و یازده روز سریع‌تر می‌کند (Khlopov, 2021: 138). بنابراین روسیه براساس منافع و هدف‌های خود، نفوذ در منطقه و دستیابی به هژمونی در قطب شمال را همواره در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است.

از سوی دیگر، ناتو^۵ دومین بازیگر مهم و تأثیرگذار در قطب شمال است. وجود منافع و مصالح مشترک، سبب افزایش روابط سیاسی و نظامی اعضای این نهاد امنیتی در رابطه با قطب شمال شده است. بر همین اساس کشورهای عضو ناتو اقدام‌ها و فعالیت‌های روسیه در قطب شمال را تهدید دانسته و بر لزوم همکاری‌ها در حوزه امنیتی تأکید داشته‌اند. با شروع جنگ روسیه و اوکراین، نقش ناتو در منطقه افزایش یافته است. قبل از جنگ، از میان هفت کشور منطقه قطب شمال (غیر از روسیه)، پنج کشور ایالات متحده آمریکا، نروژ، ایسلند، دانمارک و کانادا عضو ناتو بودند. با شروع جنگ، در ۴ آوریل ۲۰۲۳ در یک نشست برنامه‌ریزی‌شده، فنلاند به عضویت دائمی ناتو در آمد و سوئد نیز در حال رایزنی برای پیوستن به ناتو است. بنابراین مناطق مرزی ناتو با روسیه افزایش یافته است.

-
1. Geostrategic
 2. Geoeconomics
 3. Northern Sea Route
 4. Strait of Malacca
 5. North Atlantic Treaty Organization

در سال‌های اخیر، روسیه و کشورهای عضو ناتو هدف‌ها و منافع خود را در تعامل نداشتن در حوزه سیاسی و امنیتی جست‌وجو کرده‌اند. هرگونه اقدام کشورهای عضو ناتو در منطقه، این‌گونه به نظر می‌رسد که برای تهدید منافع و امنیت ملی روسیه در قطب شمال باشد. با توجه به اهمیت موضوع، در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هستیم که روسیه برای رویارویی با تهدیدهای ناتو در منطقه قطب شمال چه راهبردی به کار گرفته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که روسیه برای مقابله با تهدیدهای نظامی ناتو راهبرد موازنه قوا را با تقویت توازن نظامی در منطقه در دستور کار قرار داده است. روش پژوهش در این نوشتار کیفی است که با رویکرد تحلیل محتوای گزینشی داده‌ها و تحلیل‌های موجود انجام شده و از نظریه موازنه قوای کنت والتز برای تبیین موضوع بهره گرفته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های معدودی در مورد موضوع این نوشتار نوشته شده است. کریمی پاشاکی، منعم و یحیی پور (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل ژئوپلیتیکی رویارویی ایالات متحد و روسیه در قطب شمال» اهمیت تغییرهای اقلیمی بر قطب شمال و تأثیرهای این تغییرها در وضعیت کشورهای حاشیه قطب به‌ویژه راهبرد ایالات متحد و روسیه در این منطقه را بررسی کرده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که قطب شمال در آینده، توانایی تغییر در توازن ژئوپلیتیکی این کشورها را خواهد داشت. عرب (۱۳۹۵) در مقاله «اقیانوس منجمد شمالی، صحنه عملیاتی قرن بیست و یکم طلوع طالع روسیه» بر چگونگی روند آب‌شدن یخ‌ها و بررسی تأثیرهای نظامی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این روند بر منطقه و جهان می‌پردازد. از دیدگاه او به‌واسطه گستره زیاد جغرافیایی و طول سواحل، روسیه بیشترین بهره اقتصادی را خواهد برد و شیوه بهره‌برداری از منابع و تحدید حدود قانونی آب‌ها، می‌تواند موجب درگیری بین کشورها شود و امنیت جهانی را نیز در بعد نظامی متأثر خواهد کرد.

قنبری (۱۳۹۸) در مقاله «روسیه و محیط امنیتی شمالگان، نوسازی نظامی و نظامیگری» سرشت حضور و گسترش توان نظامی روسیه در شمالگان را در یک دهه اخیر به دلیل هدف‌های راهبردی مسکو از جمله دفاع از حاکمیت این کشور در محیط شمالگان در برابر ناتو و حمایت از منافع اقتصادی می‌داند که مبتنی بر نوسازی نظامی و نه نظامیگری بوده است. از دیدگاه او رویکرد همکاری بین‌المللی برای به‌دست آوردن منافع اقتصادی از سوی روسیه در عمل، بسیار بیشتر و فراتر از رویکرد تهاجمی است. اسدی (۱۴۰۰) در مقاله «جایگاه ژئوپلیتیک قطب شمال و تدارک صحنه بازی در آینده (با تأکید بر نقش روسیه)» به بررسی ژئوپلیتیکی قطب شمال به‌عنوان صحنه جدید رویارویی ژئوپلیتیک در آینده و آغاز صف‌بندی جدید قدرت‌ها برای تسلط بر منابع جدید انرژی با تأکید بر نقش آفرینی روسیه در این منطقه

می‌پردازد. به نظر او موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک این منطقه، می‌تواند اهرم خیزش قدرت روسیه باشد.

آنسیموف^۱ (۲۰۲۰) در مقاله «چالش‌های امنیت ملی فدراسیون روسیه در منطقه قطب شمال» با بررسی چالش‌ها، با رویکردی واقع‌گرایانه به الگوهای رفتاری روسیه و ناتو در رابطه قطب شمال می‌پردازد. به نظر او افزایش فعالیت‌های اقتصادی روسیه در قطب شمال و توسعه راه دریایی شمال توسط این کشور، سبب افزایش تنش‌ها در منطقه شده است. او تأکید می‌کند که ناتو در اقدام‌های مقابله‌ای برای تهدید امنیت ملی روسیه گام برداشته است. با وجود این، روسیه پیوسته آمادگی خود را برای مذاکره و همکاری نشان داده است.

ژوراوول^۲ (۲۰۲۰) در مقاله «قطب شمال و مسائل امنیتی و نظامی فدراسیون روسیه» با اشاره به اسناد سیاست خارجی روسیه در قطب شمال، افزایش حضور نظامی کشورهای خارجی را بزرگ‌ترین چالش برای امنیت ملی روسیه می‌داند که تقابل و درگیری در منطقه را افزایش می‌دهد. او رویارویی با چالش‌ها را با افزایش امنیت نظامی به‌عنوان یکی از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی فدراسیون روسیه در قطب شمال می‌داند. گورلو^۳ (۲۰۲۰) در مقاله «چالش‌های تضمین امنیت ملی روسیه در قطب شمال» به تضمین منافع اقتصادی و امنیت ملی روسیه در قطب شمال در حوزه تغییرهای زیست‌محیطی و دسترسی کشورهای شورای قطب شمال به مواد معدنی و هیدروکربنی می‌پردازد. او تأکید می‌کند که توان نظامی روسیه، اقدام نظامی علیه این کشور را در آینده غیرممکن می‌کند و اولویت سیاست خارجی روسیه در قطب شمال تضمین منافع اقتصادی است.

خلوپف^۴ (۲۰۲۱) در مقاله «راهبرد قطب شمال روسیه و ناتو، سناریوهای ممکن»، منافع روسیه و ناتو در زمینه افزایش توجه به منطقه قطب شمال را تحلیل می‌کند. از دیدگاه او تغییرهای آب‌وهوا و گسترش آب‌های قابل کشتیرانی و ظرفیت مواد معدنی و هیدروکربنی قطب شمال، سبب افزایش نظامی شدن منطقه شده است. تولستیک^۵ (۲۰۲۲) در مقاله «راهبردهای اصلی سیاست خارجی کشورهای رقیب در قطب شمال» راهبرد کشورهای منطقه قطب شمال به‌ویژه اعضای ناتو و روسیه را بررسی می‌کند. از دیدگاه او ذخایر قابل توجه منابع معدنی و هیدروکربنی، ماهی‌گیری و راه دریایی شمال، زمینه حضور کشورهای غیرقطبی مانند چین، بریتانیا، کره جنوبی، ژاپن و آلمان را در این منطقه فراهم کرده است. به نظر او روسیه در برابر تهدیدهای کشورهای ناتو باید قدرت نظامی خود را در منطقه افزایش دهد.

-
1. Pavel Anisimov
 2. Valeriy Petrovich Zhuravel
 3. Igor Valentinovich Gurlev
 4. Oleg Anatolievich Khlopov
 5. Angelina Igorevna Tolstykh

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با تهدیدهای ناتو و سیاست روسیه در برابر آن آثار اندکی در دسترس است. این نوشتار به چند دلیل از آثار پیشین جدا است: نخست، در این نوشتار تلاش شده است ابعاد مهم و تهدیدهای گوناگون کشورهای عضو ناتو و سیاست‌های مختلف روسیه در برابر آن، هم‌زمان مطالعه و بررسی شود؛ دوم، این نوشتار می‌خواهد به‌طور جامع و مبنای نظریه موازنه قوای کنت والتز را تبیین کند. به بیانی، هیچ یک از آثار موجود، سیاست روسیه در برابر تهدیدهای ناتو را از دیدگاه نظریه موازنه‌سازی در قالب یک اثر علمی مشخص، بررسی و مطالعه نکرده‌اند. بنابراین از این دیدگاه این نوشتار، نوآوری دارد.

چارچوب نظری: موازنه قوا

اصطلاح «واقع‌گرایی تهاجمی»^۱ و «واقع‌گرایی تدافعی»^۲ را اولین بار جک اسنایدر در کتاب «افسانه‌های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه‌طلبی بین‌المللی» به کار برد. واقع‌گرایی تهاجمی (نواقع‌گرایی تهاجمی) مانند سایر نظریه‌های واقع‌گرایی جدید، دولت‌محور است و معتقد است که رقابت برای قدرت و نفوذ بین دولت‌ها در نظام هرج‌ومرج بین‌المللی از ویژگی‌های مهمی است که سیاست بین‌الملل را تعریف می‌کند. جان مرشایمر^۳ به‌عنوان نواقع‌گرای تهاجمی، معتقد است که قدرت نسبی برای دولت‌ها مهم‌تر از قدرت مطلق است و رهبران کشورها باید همیشه سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که به تضعیف دشمنان بالقوه آنان منجر شود و قدرت آن‌ها را نسبت به دیگران افزایش دهد. وی تأکید می‌کند که سازگارناپذیر بودن هدف‌ها و منافع دولت‌ها، سرشت رقابت‌آمیز نظام آنارشیک را بیشتر می‌کند و درگیری را همانند همکاری، اجتناب‌ناپذیر می‌کند. از نظر نواقع‌گرایان تهاجمی، خلع سلاح قدرت‌های بزرگ کاری احمقانه و خلاف صلح و امنیت جهانی است، زیرا به‌راحتی دولت‌های توسعه‌طلب را به حمله تشویق می‌کند (Darj & Basiri, 2019: 78). واقع‌گرایی تهاجمی ادعا دارد که دولت‌ها قدرت خود را افزایش می‌دهند تا با رسیدن به چیرگی و هژمونی به امنیت دست یابند. بنابراین تمرکز واقع‌گرایان تهاجمی بر افزایش قدرت برای تأمین امنیت است.

در برابر، واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند دولت‌ها با راهبرد حفظ و ارتقای وضع موجود در نظام بین‌الملل، خواستار رسیدن به بالاترین حلقه امنیتی هستند. بنابراین سیاست خارجی مداخله‌جویانه ضرورتی ندارد، زیرا می‌توان از روش آسان‌تری به امنیت رسید. به علاوه دفاع در بیشتر زمان‌ها می‌تواند راحت‌تر از حمله باشد. همه کشورها تلاش می‌کنند موازنه قدرت به وجود آید. بنابراین کشورهایی که می‌کوشند قدرت خود را توسعه دهند، با مقابله دیگر اعضا روبه‌رو خواهند شد. بنابراین این گروه از واقع‌گرایان معتقدند که ساختار

1. Offensive realism
2. Defensive realism
3. John J. Mearsheimer

نظام بین‌الملل، کشورها را برای حفظ و ایجاد توازن قدرت تشویق می‌کند نه تغییر آن (Abediny Koshkuieh and Others, 2022: 11).

بنیان نوواقع‌گرایی تدافعی برگرفته از نظریه «سیاست بین‌الملل» کنت والتز^۱ است که ادعا دارد ساختار آشوب‌زده یا آنارشی نظام بین‌الملل دولت‌ها را تشویق می‌کند برای افزایش امنیت خود به کاربست سیاستی میانه‌رو روی آورند. از نظر والتز، ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل سبب شده است دولت‌ها به دلیل نبود مرجع اقتدار مرکزی، به سمت امنیت‌جویی پیش روند. بنابراین دولت‌ها به دنبال تأمین امنیت هستند که نتیجه آن خودیاری است. از این‌رو همکاری در روابط بین‌الملل به دلیل بدبین بودن دولت‌ها نسبت به هم دشوار است (Moshirzadeh, 2018: 24). از نظر وی موازنه قوا فقط با وجود این دو شرط شکل می‌گیرد: آنارشیکی بودن نظام بین‌الملل و تمایل به بقای واحدهای تشکیل‌دهنده نظام (Sheehan, 2005: 78).

والتز معتقد است ترس از هژمونی یک قدرت، دولت‌ها را تحریک می‌کند به شیوه‌هایی رفتار کنند که به سمت ایجاد موازنه قوا تمایل پیدا کنند. او استدلال می‌کند موازنه قوا راهبردی نیست که دولت‌ها باید دنبال کنند، بلکه پاسخی است به فشارهای سیستمی، چه اینکه هدف دولت، آگاهانه برقراری توازن قوا باشد یا نه (Waltz, 1979: 118-119). والتز در واقع‌گرایی ساختاری خود بیان می‌کند که امنیت و بقای دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است. وی بر این نکته تأکید دارد که انباشت قدرت و «میل به هژمونی» به‌طور منطقی به موازنه می‌انجامد. از نظر والتز دولت‌های ضعیف هیچ‌گاه نمی‌توانند به این قطعیت برسند که دولت قوی‌تر، از قدرتش برای تجاوز و نقض حاکمیت آن‌ها استفاده نکند یا تهدیدی برای بقا و امنیت آن‌ها نباشد.

نظریه موازنه قوا از نظر مفهومی بر مبنای دو گزاره بنیادین قوام گرفته است: نخست، تمرکز قدرت در هر بازیگری، کاهش ضریب امنیتی دیگر بازیگران را موجب خواهد شد؛ دوم، در یک نظم آنارشیکی بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین‌الملل هستند. زمانی که یک قدرت بزرگ نشانه‌هایی از تلاش برای تسلط بر نظام بین‌الملل را بروز می‌دهد، دیگر قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد می‌شوند تا از این راه ضمن مقابله با تمایلات هژمونیک در نظام، بقا و استقلال خود را نیز حفظ کنند (Chegnizadeh, 2013: 231-232). والتز اصرار دارد که ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل ضمن محدودیت در میزان همکاری در سطح‌های مختلف، دولت‌ها را به دنبال سود نسبی می‌برد (Griffiths, 1992: 83).

1. Kenneth N. Waltz

به اعتقاد والتز دولت‌ها در محیط آنارشیک بین‌الملل، به سیاست همراهی و دنباله‌روی روی نمی‌آورند، بلکه به ایجاد توازن قوا گرایش دارند. زیرا دنباله‌روی از قدرت دیگران به‌ویژه قدرت‌های هژمون، همواره یک تهدید است. دولت‌ها با کاربست موازنه قوا به دنبال کاهش خطرها و تهدیدها هستند (Burchill and Others, 2012: 59). البته از نظر والتز توازن قوا، جهانی و فراگیر نیست. برقرار کردن یا برقرار نکردن توازن به تصمیم‌های دولت‌ها بستگی دارد. از نظر وی دولت‌ها در نادیده گرفتن الزام‌های قدرت آزادند، اما باید انتظار داشته باشند که برای این کار هزینه‌هایی را بپردازند (Eilstrup Sangiovanni, 2009: 354).

فروپاشی اتحاد شوروی و شکل‌نگرفتن ائتلاف موازنه‌ساز علیه آمریکا، تردیدهایی را برای نظریه والتز به وجود آورد. والتز در پاسخ به وضعیت تک‌قطبی، معتقد است که چنین وضعیتی، کمترین ماندگاری را در نظام بین‌الملل دارد و امکان توازن دوباره در نظام بین‌الملل وجود دارد (Waltz, 2000: 27). از دیدگاه والتز نظام تک‌قطبی به دو علت ناپایدار است: نخست، وظایف مختلف و متعدد قدرت‌های مسلط در ورای مرزهای خود سبب تضعیف قدرت آن‌ها در بلندمدت می‌شود. دوم، دولت‌ها نسبت به رفتار دولت‌های قدرتمند احساس خطر می‌کنند، حتی اگر رفتار آن‌ها با مدارا و ملایمت باشد (Dehghani Firouzabadi and Others, 2015: 67). در مجموع والتز معتقد است که نظام بین‌الملل مبتنی بر آنارشی و خودیاری بوده و به موازنه‌سازی دوباره در نظام بین‌الملل گرایش وجود دارد. دولت‌ها با افزایش توانمندی‌های خود در برابر قدرت مسلط در منطقه و نظام بین‌الملل موازنه ایجاد می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و رقابت روسیه و ناتو برای نفوذ و افزایش قدرت در منطقه قطب شمال، آن‌ها را به موازنه‌سازی در برابر تهدیدها و قدرت یکدیگر واداشته است. اگر بنا را بر فهم سیاست بین‌الملل از دیدگاه والتز بگذاریم افزایش تحرک‌ها و توافق‌نامه‌های نظامی ناتو، موجب تغییر توازن قوا به زیان روسیه خواهد شد. اهمیت موازنه قوا و توازن قدرت در منطقه به حدی است که هر زمان توازن منطقه تغییر می‌کند، زمینه برای به‌وجود آمدن رویارویی و درگیری فراهم می‌شود. بنابراین سیاست‌های نظامی ناتو برای تغییر توازن قدرت در منطقه، چالش‌هایی را برای پیشبرد منافع و تأمین امنیت ملی روسیه در قطب شمال ایجاد کرده و سبب شده است مسکو برای دستیابی به هدف‌های خود و غلبه بر تهدیدها به موازنه قدرت روی آورد.

سیاست خارجی روسیه در قطب شمال

عرض جغرافیایی هشت کشور (ایالات متحده آمریکا، کانادا، دانمارک، روسیه، فنلاند، نروژ، سوئد و ایسلند) در منطقه قطب شمال قرار دارد. قطب شمال به دلیل موقعیت راهبردی و ژئواکونومیک در دستور کار سیاست خارجی و امنیتی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه روسیه قرار گرفته است. پیشینه سیاست خارجی روسیه در قطب شمال به دوره تزارها برمی‌گردد؛ زمانی

که میخائیل فیودروویچ رومانف^۱ در سال‌های ۱۶۱۶ تا ۱۶۲۰ یک رژیم قانونی را در اطراف دریا‌های قطب شمال تدوین کرد که برای نمونه، می‌توان به فرمان سلطنتی ممنوعیت ورود کشتی‌های خارجی به آب‌های قطبی روسیه در شرق آرخانگلسک^۲ اشاره کرد. در سال ۱۹۱۶، روسیه با نامه‌ای به قدرت‌های غربی، مدعی حقوق خود نسبت به بخشی از قلمروی قطب شمال شد. در دوره اتحاد شوروی، در ۱۵ آوریل ۱۹۲۴ هیئت رئیسه کمیته اجرایی مرکزی، سیاست‌ها و دارایی‌های قطب شمال شوروی را ترسیم کرد، به طوری که در این دوره، استفاده فعال از راه دریایی شمال آغاز شد (Bezborodov, 2020: 59).

در نیمه دهه ۱۹۸۰، بعد از به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در اتحاد شوروی، درک روس‌ها نسبت به منطقه قطب شمال همراه با تغییرها در دستگاه دولتی و ساختار اجتماعی تغییر کرد. گورباچف در سال ۱۹۸۷ ابتکار مورمانسک^۳ را مطرح کرد؛ ابتکاری که بر همکاری، صلح، خلع سلاح هسته‌ای و فعالیت‌های علمی چندملیتی برای هدف‌های صلح‌آمیز در منطقه قطب شمال تأکید داشت. با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، منطقه قطب شمال برای مدتی اهمیت نظامی و راهبردی خود را از دست داد (Proskuryakov, 2022: 18). بی‌توجهی به قطب شمال به بحرانی شدید در شمال دور و خروج جمعیت منجر شد (Luo, 2022: 37). در دهه ۱۹۹۰، روسیه به عنوان جانشین سیاسی اتحاد شوروی، به دلیل مشکلات سیاسی، مالی و اقتصادی، علاقه چندانی به این منطقه نشان نداد. با این حال، این کشور در سال ۱۹۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد را در مورد حقوق دریاها تصویب کرد و بدین ترتیب زمینه برای حضور فعال روسیه در قطب شمال فراهم شد (Anisimov, 2020: 76).

با روی کار آمدن پوتین تحول عظیمی در سیاست خارجی روسیه در قطب شمال ایجاد شد؛ به طوری که هدف‌های راهبردی و جهت‌گیری‌های اصلی سیاست خارجی نسبت به قطب شمال، بیشتر از نیمه دهه ۲۰۰۰ به بعد شکل گرفت. در این زمینه، در سال ۲۰۰۱ روسیه، پیش‌نویس اصول سیاست دولتی را در رابطه با قطب شمال تصویب کرد (Bezborodov, 2020: 60). بر همین اساس، در سال ۲۰۰۷ مؤسسه پژوهش‌های قطب شمال روسیه تأسیس شد که در آن دانشمندان برای نخستین بار به پایین‌ترین نقطه اقیانوس منجمد شمالی در قطب شمال رسیدند و پرچم این کشور را برافراشتند. چشم‌اندازهای اقتصادی، تجاری و امنیتی زمینه‌ای فراهم کرد که در سپتامبر ۲۰۰۸، نشستی خارج از محل شورای امنیت ملی روسیه در سرزمین فرانتس یوزف^۴ برگزار شود که در آن، مبانی سیاست دولتی فدراسیون روسیه در قطب شمال تا سال ۲۰۲۰ و پس از آن تصویب شد (Anisimov, 2020: 77). این سند بر لزوم آموزش یگان‌های ارتش برای عملیات در قطب شمال، تقویت نیروهای مرزی و

1. Mikhaíl Fyódorovich Románov
2. Arkhangelsk
3. Murmansk
4. Franz Joseph

ایجاد گارد ساحلی در قطب شمال به منظور تضمین امنیت نظامی در شرایط مختلف اشاره دارد (Pestsov, 2016: 9).

در سال ۲۰۱۳، با کاربست راهبرد توسعه منطقه قطب شمال روسیه و تضمین امنیت ملی تا سال ۲۰۲۰ تحولی در سیاست خارجی این کشور صورت گرفت. سند برنامه جدید، هدفها و اولویت‌های روسیه در منطقه قطب شمال و ابزارهای اجرای آن را تعریف می‌کرد: استفاده از منطقه قطب شمال روسیه به عنوان پایگاه منابع راهبردی دولت، حفظ قطب شمال به عنوان منطقه صلح و همکاری، پاسداری از سیستم‌های زیست‌محیطی منحصر به فرد قطب شمال، استفاده از مسیر دریایی قطب شمال در چارچوب ارتباط ملی حمل و نقل یکپارچه روسیه. شایان توجه است که این راهبرد بر قطب شمال روسیه تمرکز دارد نه بر کل منطقه قطب شمال (Bezborodov, 2020: 61). در همین چارچوب، آیین نظامی روسیه در سال ۲۰۱۴ و آیین دریایی روسیه در سال ۲۰۱۵ نیز نکته‌هایی در مورد حفاظت از مرزهای دولتی و هدف‌های ناوگان شمالی در گستره قطب شمال دارد (Prokopiev, 2019: 69).

در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ فرمان‌هایی از سوی رئیس‌جمهور روسیه به عنوان مبانی سیاست دولتی روسیه در قطب شمال در نظر گرفته شد که می‌توان به فرمان شماره ۲۲۸ در مورد تصویب مقررات در کمیسیون دولتی برای توسعه قطب شمال و فرمان شماره ۲۹۶ در مورد قلمروهای زمینی منطقه قطب شمال فدراسیون روسیه اشاره کرد (Pestsov, 2016: 10). توسعه موقعیت روسیه در منطقه قطب شمال را می‌توان در قالب راهبرد امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ و مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۱۶ درک کرد. به طوری که در آن‌ها، ضمن معرفی روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت و بازیگر اصلی در سیاست جهانی، به برابری، حفظ صلح و همکاری و مقابله با هرگونه سیاست‌های نظامی در قطب شمال تأکید شده است (Bezborodov, 2020: 61). آخرین سند سیاست خارجی مسکو در رابطه با قطب شمال، در فرمان شماره ۱۶۴ رئیس‌جمهور در ۵ مارس ۲۰۲۰ است که در آن مبانی سیاست دولتی فدراسیون در قطب شمال تا سال ۲۰۳۵ تصویب شد. این سند هدف‌ها، جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و سازوکارهای اجرایی سیاست دولتی فدراسیون روسیه در قطب شمال را تعیین می‌کند. منافع ملی اصلی روسیه براساس این سند این‌گونه آمده است:

۱. تضمین حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی فدراسیون روسیه؛
۲. حفظ قطب شمال به عنوان سرزمین صلح، مشارکت پایدار و سودمند برابر؛
۳. تضمین کیفیت مناسب زندگی و رفاه جمعیت منطقه قطب شمال فدراسیون روسیه؛
۴. توسعه منطقه قطب شمال روسیه به عنوان پایگاه منابع راهبردی و استفاده از آن برای رشد اقتصادی کشور؛
۵. توسعه راه دریایی شمال به عنوان ارتباط حمل و نقل روسیه در بازار جهانی؛

۶. حفاظت از محیط زیست، زیستگاه اصلی و شیوه زندگی مردم بومی ساکن
(Gurlev, 2020: 5)؛

چالش‌های اصلی تضمین امنیت ملی روسیه در قطب شمال نیز در این سند این‌گونه آمده است:

۱. تلاش شماری از دولت‌های خارجی برای بازنگری در مفاد پیمان‌های بین‌المللی که فعالیت‌های اقتصادی و سایر فعالیت‌های قطب شمال را تنظیم می‌کند؛
۲. ناقص بودن مشخص کردن حدود قانونی بین‌المللی مناطق دریایی قطب شمال؛
۳. جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی قانونی و دیگر اقدام‌های فدراسیون روسیه در قطب شمال توسط دولت‌های خارجی؛
۴. حضور نظامی کشورهای دیگر در قطب شمال؛

۵. بی‌اعتبار کردن فعالیت فدراسیون روسیه در قطب شمال (Khlopov, 2021: 137).

بررسی سیاست‌ها و اسناد گوناگون سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد که کرملین، از گذشته تاکنون، حساسیت و نگاه ویژه‌ای به منطقه پیرامونی قطب شمال و حضور بیگانگان در این منطقه داشته است. این حساسیت بیشتر به دلیل اهمیت راهبردی، تجاری و بازرگانی و همچنین اهمیت زیست‌محیطی این منطقه برای امنیت ملی روسیه است. سیاست قطب شمال روسیه خاستگاهی تاریخی داشته است، اما به تدریج با افزایش تهدیدهای رقیبان، اهمیت بیشتری در بین نخبگان این کشور پیدا کرده است. بیشتر اصول و مبانی سیاست خارجی روسیه در مورد قطب شمال در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین طراحی و اجرا شده است. قراردادن موضوع قطب شمال در راهبرد امنیت ملی روسیه، حاکی از نگاه ویژه پوتین به این منطقه است. پوتین می‌داند قطب شمال ابزاری برای کاربست نفوذ سیاسی و اقتصادی اعضای اروپایی ناتو خواهد بود. از این رو مسکو با استفاده از طرح‌های راهبردی می‌کوشد منافع و امنیت خود را تضمین کند. داشتن بیشترین سهم از نظر جمعیت، قلمرو و خط ساحلی، توجه به منابع فسیلی و سنگری راهبردی برای دفاع و بازدارندگی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در قطب شمال است؛ از سویی، چندجانبه‌گرایی نیز در سیاست خارجی روسیه در قطب شمال مورد نظر قرار گرفته است.

سیاست چندجانبه‌گرایی روسیه در قطب شمال

سازمان‌های منطقه‌ای با تسهیل ارتباط و شناسایی زمینه‌های همکاری کشورها، منافع را برای همه بازیگران دولتی فراهم می‌کنند. در این زمینه، روسیه می‌کوشد از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای قطب شمال برای هدف‌های ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر^۱ خود استفاده

کند. «شورای قطب شمال^۱» از سازمان‌های منطقه‌ای مهم در قطب شمال است که روسیه نیز در آن نقش فعالی دارد. این شورا در سال ۱۹۹۶ با هدف همکاری، تعامل و حل و فصل اختلاف توسط هشت عضو، کانادا، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد، روسیه و آمریکا تشکیل شد (Khlopov, 2021: 136).

اوج فعالیت روسیه در این شورا، به دوران ریاست این کشور در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ بازمی‌گردد که ضمن کمک‌های مالی به طرح‌های زیست‌محیطی، به برگزاری رویدادهای بین‌المللی پرشمار مربوط با حفاظت از محیط زیست پرداخته است (Voronchikhina, 2019: 323). توافق‌نامه همکاری در زمینه جست‌وجو و نجات هوانوردی و دریایی در قطب شمال در سال ۲۰۱۱ نقطه عطف همکاری دولت‌های عضو بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۷ کشورهای عضو شورا، توافقی برای تقویت همکاری در زمینه پژوهش‌های علمی در قطب شمال امضا کردند. شورای قطب شمال به دلیل توانایی خود در تعیین دستورکار به‌ویژه در مسائل زیست‌محیطی، گام مهمی برای توسعه همکاری‌ها برداشته است (Proskuryakov, 2022: 21). با توجه به اینکه مسئولیت ریاست شورای قطب شمال در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ به روسیه واگذار شده است، این کشور می‌خواهد با استفاده از این ظرفیت، گام مهمی در جهت حفاظت از جمعیت بومی، زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی و اجتماعی و همکاری کشورهای عضو شورا بردارد (Stepanyan, 2021: 104).

یکی دیگر از سازمان‌های منطقه‌ای در قطب شمال که روسیه با عضویت در آن به گسترش روابط با اعضای آن پرداخته، «شورای کشورهای اروپا و شمالگان بارنتز^۲» است که در سال ۱۹۹۳ به پیشنهاد نروژ تأسیس شد که متشکل از نروژ، دانمارک، ایسلند، فنلاند، روسیه، سوئد و کمیسیون جوامع اروپا است. این سازمان با هدف همکاری‌های منطقه‌ای برای سازگاری با تغییرهای آب‌وهوا، بهره‌برداری از فرصت‌های جدید در منطقه و حفاظت از محیط زیست تشکیل شد (Proskuryakov, 2022: 22). روسیه در دوران ریاست خود بر این سازمان در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ برای همکاری در حوزه حمل‌ونقل (راه‌اندازی یک اتصال راه‌آهن مستقیم در مسیر پتروزاودسک^۳ روسیه و کوئوپیو^۴ فنلاند)، فرهنگی و گردشگری (رژیم بدون روادید برای مسافران تفریحی که به بندرهای آرخانگلسک و مورمانسک می‌روند) و همچنین محیط زیست اقدام‌هایی کرده است (Uzkiy, 2020: 93). اما جنگ اوکراین سیاست چندجانبه‌گرایی روسیه در قطب شمال را در تأثیر قرار داده است. به‌طوری که در ۹ مارس ۲۰۲۲ اعضای شورای کشورهای اروپا و شمالگان بارنتز تعلیق همکاری با فدراسیون را اعلام کردند. بزرگ‌ترین ضربه، زمانی بود که هفت کشور عضو شورای قطب شمال در ۳ مارس

1. Arctic Council
2. Barents Euro-Arctic Council
3. Petrozavodsk
4. Kuopio

۲۰۲۲ با صدور بیانیه‌ای مشترک از شرکت در همه نشست‌های به ریاست فدراسیون روسیه خودداری کردند (Zhuravel, 2022: 34).

به‌طور کلی در سال‌های اخیر، روسیه با هدف تقویت موقعیت و جایگاه خود در نظام بین‌الملل و کاهش تنش‌ها در برابر کشورهای اروپایی و اعضای ناتو، سیاست چندجانبه‌گرایی، در قالب نهادسازی و ایجاد سازمان‌های گوناگون منطقه‌ای مانند شورای قطب شمال را در دستور کار دستگاه سیاست خارجی خود قرار داده است. این نهادها با ایجاد بسترهای همکاری و تعامل بین کشورهای عضو تلاش می‌کردند، زمینه‌های کاهش تنش‌ها را فراهم کنند و سرانجام نگرانی‌های امنیتی طرف‌های مقابل را برطرف کنند. اما به‌نظر می‌رسد عامل غرب، سیاست چندجانبه‌گرایی روسیه را در تأثیر قرار داده است. به‌طوری که در دوره‌هایی که تنش در روابط غرب با روسیه وجود داشته، کارایی این سازمان‌ها و همچنین نقش مسکو در آن‌ها تنزل یافته و در برابر، در زمان کاهش تنش‌ها، روسیه از نقش خود در این سازمان‌ها برای توسعه همکاری‌ها بیشترین استفاده را برده است. از این‌رو تحریم روسیه، همکاری در منطقه قطب شمال را پیچیده‌تر خواهد کرد. با این حال، کشورهای غربی می‌دانند که برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در منطقه قطب شمال نیازمند همکاری با روسیه هستند.

تهدیدهای ناتو در قطب شمال

از مجموع هشت کشور منطقه قطب شمال، شش کشور یعنی ایالات متحده آمریکا، کانادا، دانمارک، نروژ، ایسلند و فنلاند عضو ناتو هستند و کشور سوئد نیز به‌دلیل همکاری زیاد تمایل به پیوستن به ناتو را دارد. بنابراین روسیه و ناتو دو بازیگر اصلی در منطقه قطب شمال محسوب می‌شوند. مهم‌ترین تهدید روسیه در قطب شمال، حضور نظامی کشورهای عضو ناتو به‌ویژه آمریکا است. اسناد دولتی ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر آمریکا نقش فعال نظامی در منطقه داشته است. به‌طوری که آمریکا در ژوئن ۲۰۱۹ «سند راهبردی قطب شمال» وزارت دفاع را تصویب کرد. در این سند تأکید شده است که آمریکا باید آگاهی خود را به مسائل قطب شمال افزایش دهد و عملیات در منطقه، از جمله تمرین‌ها در هوای سرد را توسعه دهد (Khlopov, 2021: 138). در همین چارچوب، آمریکا در سال ۲۰۱۹ در سواحل جنوبی آلاسکا به تمرین‌های نظامی در قطب شمال پرداخت (Gurlev and Others, 2021: 89). همچنین توسعه یخ‌شکن‌های سنگین نظامی را برای گارد ساحلی و نیروی دریایی، در دستور کار قرار داد (Gurlev, 2020: 7).

همچنین ارتش آمریکا در ۱۶ مارس ۲۰۲۱ راهبرد جدیدی را برای عملیات در منطقه شمال منتشر کرد که براساس آن باید یک گروه ضربت در آلاسکا تشکیل شود و این منطقه به مراکز آموزش نظامی تجهیز شود (Zhuravel, 2021: 57). هرچند آمریکا در جنوب آلاسکا در

منطقه زیرقطبی سه پایگاه نظامی (فورت واینرایت^۱، فورت گرلی^۲ و المندورف-ریچاردسون^۳) دارد که ۱۱۶۰۰ نیروی نظامی در قالب دوتیپ به‌طور دائم در آنجا مستقر هستند. در سال ۲۰۲۱ نیز ایالات متحد طرحی را برای ساخت یک بندر در نوم آلاسکا^۴ تصویب کرد که می‌تواند برای استقرار موقت کشتی‌های جنگی در آب‌های قطب شمال آمریکا استفاده شود (Gurlev and Others, 2021: 85-86).

نروژ از دیگر کشورهای عضو ناتو است که حضور نظامی در منطقه قطب شمال را تقویت کرده است. سند راهبردی قطب شمال نروژ در سال ۲۰۱۷ بر امنیت سرزمین قطب شمال در حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی تمرکز کرده است. از سویی نروژ ۱۹۶ کیلومتر مرز مشترک زمینی با روسیه دارد. حدود ۶۰ فروند از هواپیماهای اف-۱۶ نیروی هوایی نروژ در سه پایگاه هوایی بودو^۵، آندیال^۶ (جزایر لوفوتن^۷) و باردوفوس^۸ مستقر هستند. برای افزایش کارایی عملیات هوانوردی تصمیم گرفته شد، ۵۶ فروند هواپیمای اف-۳۵ نیز بخرند. نیروی دریایی نروژ پنج ناوچه بزرگ طبقه نانسن در خدمت دارد. همچنین ایستگاه راداری گلوبوس-۳^۹ در جزیره وردو^{۱۰} در شمال نروژ در حال ساخت است. از سویی، نروژ در حال تبدیل شدن به پایگاه نظامی آمریکا در قطب شمال است. پنتاگون تصمیم دارد زیردریایی‌های هسته‌ای (سی-ولف)^{۱۱} را در پایگاه دریایی اولوسورن^{۱۲} در نروژ مستقر کند که تنها ۳۶ کیلومتر با روسیه فاصله دارد (Zhuravel, 2020: 81-82). در آوریل ۲۰۲۱ نروژ و ایالات متحد آمریکا یک توافق‌نامه همکاری دفاعی امضا کردند که به ایالات متحد اجازه می‌دهد پس از نوسازی، از تأسیسات نیروی هوایی نروژ در جنوب و شمال این کشور استفاده کند (Gurlev and Others, 2021: 93).

کانادا نیز سیاست امنیتی فعالی را در منطقه قطب شمال دنبال می‌کند. در همین رابطه، مقام‌های کانادایی می‌خواهند سیستم اطلاعاتی را در قطب شمال تجهیز کنند. کانادا برای حفظ حاکمیت بر مسیرهای دریایی خود و ایجاد کنترل بر وضعیت سطحی و زیرآب در گذرگاه غربی این کشور، در حال انجام اقدام‌هایی برای نوسازی و تقویت ناوگان یخ‌شکن خود است. در آیین دفاعی این کشور در سال ۲۰۱۷، به مسائل امنیتی از جمله تقویت نیروها و ابزارهای

1. Fort Wainwright
2. Fort Greely
3. Elmendorf-Richardso
4. Nome
5. Bodø
6. Andøya
7. Lofoten
8. Bardufoss
9. Globus-3
10. Vardo
11. Seawolf- submarine
12. Olavsvern Naval Base

جست‌وجو و نجات و واکنش به بلاهای طبیعی و انسانی در قطب شمال اشاره شده است (80: Zhuravel, 2020). کانادا نخستین کشوری است که برنامه‌های خود را برای گشت نظامی در قطب شمال اعلام کرد (6: Gurlev, 2020). در سال‌های اخیر نیز در شمال کانادا (استان نوناووت^۱) یک مرکز لجستیک کشتی تأسیس شده است (86: Gurlev and Others, 2021). دانمارک هم در سال ۲۰۱۲ در نتیجه اتحاد فرماندهی جزایر فارو و گرینلند^۲ یک فرماندهی مشترک قطب شمال متشکل از نیروهای مسلح خود را ایجاد کرد. دانمارک برنامه‌های بلندمدتی برای تجهیز جنگنده، ناوچه و پدافند هوایی دارد (81: Zhuravel, 2020). سه ناوچه گشت‌زنی در خدمت نیروی دریایی قطب شمال دانمارک است (6: Gurlev, 2020). در راهبرد سیاست خارجی و امنیتی دانمارک که در ژانویه ۲۰۲۲ منتشر شد، این کشور از افزایش توجه ناتو به منطقه حمایت کرده است (37: Zhuravel, 2022). آمریکا نیز از زمان جنگ جهانی دوم یک پایگاه هوایی در گرینلند دارد (353: Niknami, 2022). فنلاند و سوئد نیز به ترتیب نیروی زمینی و نیروی هوایی قوی در منطقه دارند (142: Khlopov, 2021).

علاوه بر طرح‌های گوناگون نظامی کشورهای عضو ناتو، یکی دیگر از جلوه‌های حضور نظامی این سازمان در منطقه، برگزاری رزمایش است. به‌طوری که بزرگ‌ترین رزمایش ناتو در سال ۲۰۱۸ با عنوان «تریدنت جانکچر ۱۸»^۳ با سناریوی دفاع جمعی در نروژ برگزار شد. در این رزمایش حدود ۵۰ هزار نفر از کارکنان نظامی، ۲۵۰ هواپیما، ۶۵ کشتی از نیروهای مسلح، ۳۱ کشور عضو و شریک ناتو شرکت داشتند (21: Trunov, 2020). نروژ از سال ۲۰۱۰ هر دو سال یکبار رزمایشی با عنوان «واکنش سرد» برای تقویت و حضور هماهنگی نیروهای نظامی با حضور کشورهای عضو ناتو و سوئد برگزار می‌کند. در سال‌های اخیر سناریوی این رزمایش به محوریت دفاع جمعی تغییر پیدا کرده است (88: Gurlev & Others, 2021). به‌طوری که در آخرین رزمایش واکنش سرد در مارس ۲۰۲۲ بیش از ۳۰ هزار نفر از کارکنان نظامی، ۵۰ کشتی و ۲۲۰ هواپیما از ۲۷ کشور شرکت کردند (37: Zhuravel, 2022). علاوه بر این، یکی از تهدیدهای ناتو برای روسیه در قطب شمال، بازسازی خط دفاعی ضدزیردریایی گرینلند، ایسلند و بریتانیا است. این خط دفاعی در طول جنگ سرد از ورود زیردریایی هسته‌ای شوروی به اقیانوس اطلس شمالی در صورت بروز بحران جلوگیری می‌کرد. همچنین ناتو سالانه در دریای نروژ، رزمایش ضدزیردریایی برگزار می‌کند (Gurlev and Others, 2021).

بین‌المللی کردن راه دریای شمال، یکی دیگر از تهدیدهای ناتو برای روسیه در قطب شمال است. راه دریایی شمال در اسناد سیاست خارجی روسیه، یکی از اصلی‌ترین منافع مسکو در

1. Nunavut
2. Greenland
3. Trident juncture18

قطب شمال است. راه دریایی شمال مهم‌ترین مسیر حمل‌ونقل بین قاره‌ای است که اقیانوس اطلس و آرام را از راه دریای شمالی و تنگه‌ها در کوتاه‌ترین مسیر به هم متصل می‌کند (Kruglov, 2020: 93). کشتی‌های جنگی ناتو به‌ویژه ایالات متحد آمریکا به‌طور دوره‌ای تلاش می‌کنند با ایجاد انواع تحریک‌ها، اوضاع راه دریایی شمال را بی‌ثبات کنند. برای نمونه، در ۷ سپتامبر ۲۰۲۰ کشتی‌های جنگی کشورهای ناتو به رهبری یک ناوشکن آمریکایی بدون اطلاع، وارد دریای بارنتز^۱ شدند (Anisimov, 2020: 79). با توجه به اینکه راه دریایی شمال در امتداد سواحل روسیه قرار دارد، افزایش تدریجی عبور کشتی‌های بین‌المللی زمینه را برای حضور کشتی‌های نظامی فراهم می‌کند (Konyshev, 2020: 67). همچنین برخی از اعضای ناتو مانند نروژ در سال‌های اخیر با انجام اقدام‌هایی مانند ایجاد محدودیت برای شهروندان روس و فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها، به دنبال تغییر وضعیت مجموعه جزیره‌های سوالبارد و حذف کامل فدراسیون روسیه هستند. روسیه بعد از پیمان سوالبارد در سال ۱۹۲۰ به فعالیت‌های اقتصادی در آن مجموعه جزیره‌های پرداخته است (Zhuravel, 2020: 91).

در مجموع بررسی اقدام‌های آمریکا و سایر کشورهای اعضای ناتو در منطقه قطب شمال نشان می‌دهد که این کشورها در سال‌های اخیر سیاست‌های متنوعی را برای افزایش نفوذ و تقویت قدرت نظامی در دستور کار خود قرار داده‌اند. تقویت نیروهای مسلح، ایجاد گروه ضربت نظامی، توسعه یخ‌شکن‌های سنگین نظامی و استقرار کشتی‌های جنگی، ایجاد پایگاه‌های نظامی، تقویت یگان‌های هوایی، ساخت ایستگاه‌های راداری، حضور زیردریایی‌های هسته‌ای، امضای توافق‌نامه‌های دفاعی در میان اعضا و برگزاری رزمایش‌های گوناگون نظامی از اقدام‌های ناتو در منطقه قطب شمال است که تهدیدهای جدی و فوری برای روسیه به شمار می‌آید. کشورهای عضو ناتو در قطب شمال تلاش کرده‌اند تعداد کشورهای غیرقطبی ناتو را برای حضور نظامی در این منطقه در قالب رزمایش و تمرین‌های نظامی افزایش دهند. با شروع جنگ روسیه و اوکراین، کشورهای عضو ناتو از یک‌سو حضور نظامی خود را در منطقه افزایش داده‌اند و از سوی دیگر، به تحریم طرح‌های سرمایه‌گذاری در قطب شمال پرداخته‌اند. این موضوع توسعه اقتصادی و اجتماعی قطب شمال روسیه را با چالش روبه‌رو کرده است. همچنین سازمان‌های منطقه‌ای در قطب شمال نیز روسیه را تحریم کرده‌اند.

سیاست توازن قوای روسیه در قطب شمال

همان‌گونه که اشاره شد، والتز به‌عنوان یک واقع‌گرای تدافعی، معتقد است ترس از هژمونی یک قدرت، دولت‌ها را به سمت ایجاد موازنه قوا پیش می‌برد. از دیدگاه وی، امنیت و بقای دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است. والتز بر این نکته تأکید دارد که انباشت قدرت و «میل به هژمونی» به‌طور منطقی به موازنه ختم می‌شود. به‌طور

کلی، نظریه موازنه قوا از نظر مفهومی بر مبنای دو گزاره بنیادین قوام گرفته است: نخست، تمرکز قدرت در هر بازیگری، کاهش ضریب امنیتی دیگر بازیگران را موجب خواهد شد؛ دوم، در یک نظم آنارشیک بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین‌الملل هستند. بنابراین دولت‌ها در محیط آنارشیک بین‌الملل، به سیاست همراهی و دنباله‌روی روی نمی‌آورند، بلکه به ایجاد توازن قوا گرایش دارند. زیرا دنباله‌روی از قدرت دیگران به‌ویژه قدرت‌های هژمونی، همواره یک تهدید است. بنابراین دولت‌ها با کاربست موازنه قوا به دنبال کاهش خطرهای و تهدیدها هستند. در همین ارتباط، دولت‌ها با افزایش توانمندی‌های خود در برابر قدرت مسلط در منطقه و نظام بین‌الملل موازنه ایجاد می‌کنند.

با توجه به فرض‌های نظری بالا، روسیه برای موازنه‌سازی در برابر حضور نظامی و افزایش پایگاه‌های ناتو، سیاست‌ها و راهبردهای گوناگونی را در دستور کار قرار داده است. مهم‌ترین راهبرد روسیه، موازنه نظامی در منطقه است. در این زمینه، روسیه توان نظامی خود را در تمام قلمروی شمال توزیع کرده است. به طوری که در بخش شرقی قطب شمال، مسکو ایستگاه‌های راداری مانند سوپکا-۲^۱ را در جزیره ورانگل^۲ و کیپ اشمیت^۳ برای شناسایی و ردیابی کشتی‌ها و هواپیما مستقر کرده است. جزیره کوتلنی^۴ و مجموعه جزیره‌های نوایازملیا^۵ به سیستم‌های دفاعی موشکی مانند باشن-پی^۶ و پانتسیر-اس^۷ مجهز هستند که یک سیستم پیچیده حفاظتی ساحلی چندسطحی ایجاد می‌کنند (Anisimov, 2020: 81). در شمال ایالت ساخا^۸ سامانه‌های دفاعی موشکی اس ۳۰۰ مستقر هستند (Zhuravel, 2021: 59).

همچنین دو تیپ نظامی برای توازن نظامی با نیروهای ناتو در قطب شمال مستقر شده‌اند. اولین تیپ در نزدیکی آلاکورتی در شبه جزیره کولا است. توازن نظامی قطب شمال روسیه توسط تیپ دوم در پچنگا-لوستری^۹ تقویت شده است. هر دو تیپ به انواع سلاح‌های سنگین از جمله تانک، وسایل نقلیه زرهی و سیستم‌های ضدتانک مجهز هستند که وظایف آنها، دفع تهدیدها علیه یکپارچگی سرزمینی کشور است (Prokopiev, 2019: 70-71). ناوگان شمالی مهم‌ترین توان نظامی روسیه در حوزه دریایی در قطب شمال است. ناوگان شمالی با بیشترین تعداد یخ‌شکن و زیردریایی هسته‌ای قدرتمندترین ناوگان روسیه است. توان بازدارندگی اتمی، این ناوگان را به هسته اصلی نیروهای مسلح روسیه تبدیل کرده است (Bezborodov, 2020:)

1. Sopka-2
2. Wrangel Island
3. Cape Schmidt
4. Kotelny Island
5. Novaya Zemlya
6. Bastion-p
7. Pantsir-s1
8. Sakha Republic
9. Pechenga- Lusteri

62). در سال‌های اخیر ناوگان شمالی روسیه برای نمایش و تقویت توان نظامی به برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی در قطب شمال اقدام کرده است (Gurlev and Others, 2021: 90-91). ارتش روسیه می‌خواهد با افزایش ماهواره‌های هشدار زودهنگام در مدار زمین بتواند همه‌گونه موشک‌های پرتاب‌شده در هر جای زمین را شناسایی و رهگیری کند (Takshid and Shoja, 2023: 144). علاوه بر این، روسیه محدودیت‌هایی را برای رزمایش و تمرین‌های ناتو ایجاد می‌کند. به طوری که روسیه نشانه‌های جی‌پی‌اس را در مانور تریدنت جانکچر در سال ۲۰۱۸ ناتو مسدود کرد (Khlopov, 2021: 141). با شروع جنگ اوکراین، روسیه توجه خود را به مسائل دفاعی و امنیتی در قطب شمال افزایش داده است. اقدام‌هایی برای تقویت توان نیروهای مسلح روسیه در منطقه شمال از جمله نوسازی پایگاه‌های جدید زیردریایی، ساخت فرودگاه و اردوگاه‌های نظامی در حال انجام است (Zhuravel, 2022: 37).

نتیجه

جنبه‌های گوناگون اهمیت منطقه قطب شمال در دهه‌های اخیر سبب رقابت و کشمکش قدرت در میان ناتو و روسیه شده است. با افزایش تدریجی نفوذ ناتو در منطقه، شاهد تشدید احساس تهدید از سوی نخبگان سیاسی کرملین هستیم. در این نوشتار می‌خواهیم راهبرد و سیاست‌های نظامی روسیه در برابر تهدیدهای ناتو را بر مبنای رهیافت نظری موازنه‌سازی کنت والتز تبیین کنیم. با توجه به فرض اصلی نظریه موازنه قوای والتز که می‌گوید دولت‌ها در برابر تهدیدهای ناشی از انباشت قدرت و میل به هژمونی سایر دولت‌ها، موازنه‌سازی می‌کنند، به نظر می‌رسد سیاست‌های نظامی روسیه در قطب شمال به‌طور کامل در جهت توازن قدرت در برابر تهدیدهای نظامی ناتو در منطقه بوده است. این موضوع، درستی فرضیه اصلی نوشتار را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، ناتو و کشورهای عضو آن در سال‌های گذشته با اقدام‌هایی مانند ایجاد زیرساخت‌های نظامی جدید، تنوع‌بخشی به تسلیحات نظامی و به روزکردن آن‌ها، افزایش نیروهای نظامی و به‌کارگیری سامانه راداری و الکترونیکی پیشرفته، امنیت ملی روسیه را با تهدید روبه‌رو کرده‌اند.

برداشت‌ها و ادراک‌های رهبران کرملین ناشی از سرشت ضدروسی ناتو است. بنابراین تحرک‌ها و فعالیت‌های کشورهای عضو این نهاد امنیتی را در قطب شمال با حساسیت بیشتری دنبال و تلاش می‌کنند در برابر قدرت روزافزون ناتو، توازن قدرت ایجاد کنند. استقرار و تقویت سامانه‌های دفاعی مانند اس ۳۰۰، حضور ناوگان شمالی هسته‌ای در منطقه، برگزاری رزمایش‌های منظم و تقویت قدرت دفاعی نیروهای مسلح از اقدام‌های روسیه در برابر ناتو است. روسیه هرگونه اقدام و فعالیت‌های نظامی و امنیتی ناتو در منطقه قطب شمال را تهدیدی جدی و فوری در نظر می‌گیرد. در این میان، شروع جنگ روسیه و اوکراین و به‌دنبال آن افزایش حضور فعال ناتو در منطقه بر شدت نگرانی‌های روسیه افزوده است. با توجه به اینکه سیاست چندجانبه‌گرایی روسیه در قطب شمال با هدف تقویت تعامل و همکاری‌ها و کاهش

تنش‌ها موفق نبوده است و ناتو نیز با تقویت حضور نظامی به تعلیق همکاری‌ها با روسیه در سازمان‌های منطقه‌ای مانند شورای قطب شمال پرداخته و تحریم و خروج شرکت‌های سرمایه‌گذار در روسیه را در دستورکار قرار داده و تلاش‌هایی برای همگرایی منطقه‌ای و عضویت کشورهایمانند فنلاند و ترغیب دیگر دولت‌ها مانند سوئد را برای عضویت دائم انجام داده است، اکنون کرملین با جدیت بیشتری موضوع موازنه‌سازی به‌وسیله تقویت قدرت نظامی در برابر ناتو را پیگیری می‌کند.

اقدام‌های ناتو یادآور جبهه‌بندی نیروهای متحد و متفق در دوران جنگ جهانی دوم و جنگ سرد است و سناریوی دفاع جمعی ناتو در رزمایش‌های اخیر، نشان می‌دهد که در نهایت واکنش‌های منفی روسیه را به همراه داشته است. روسیه با داشتن بیشترین قلمرو و منابع هیدروکربنی، قطب شمال را سنگر راهبردی بازدارنده برای فعالیت‌های ناتو به‌ویژه آمریکا می‌داند. با شروع جنگ روسیه و اوکراین، مسکو بر توسعه پایگاه و تقویت توان نظامی خود در منطقه قطب شمال افزوده است، اما با عضویت فنلاند و در ادامه، پیوستن احتمالی سوئد به ناتو، تهدیدهای مرزی روسیه دوچندان شده است. تا زمانی که جنگ اوکراین و روسیه ادامه دارد، تنش در منطقه قطب شمال وجود داشته و تلاش اوکراین برای درگیری بیشتر ناتو و ایالات متحد با روسیه، بر شدت تنش در قطب شمال خواهد افزود.

References

- Abediny Koshkuieh Hasan, Hossein Masoudnia and Mahnaz Goodarzi (2022), "The U.S. Foreign Policy against Iran during the Presidency of Obama and Trump (Based on Mearsheimer's Offensive Realism and Waltz's Defensive Realism)", **Iranian Political Research**, Vol. 9, No. 34, pp. 7-32, (doi: 10.22034/SEJ.2022.1949689.1422) [in Persian].
- Anisimov, Pavel (2020), "National Security Challenges of the Russian Federation in the Arctic Region", **Bulletin of the Russian State University for the Humanities**. Series: Political Science. Story. International Relations, Vol. 7, No. 4, pp. 74-83, (doi: 10.28995/2073-6339-2020-4-74-83) [in Russia].
- Arab, Hossein (2017), "Arctic Ocean: Operational Stage of the 21st Century or the Rise of Russia", **Strategy**, Vol. 25, No. 80, pp. 153-184, (doi: 20.1001.1.10283102.1395.25.3.6.0) [in Persian].
- Arzhanov, Igor Aleksandrovich (2021), "Russia, NATO and the Arctic: Rivalry, Security, Possible Scenarios of Geopolitical Competition", **Bulletin of the Peoples' Friendship University of Russia**. Series: International Relations, Vol. 21, No. 4, pp. 758-771, (doi: 10.22363/2313-0660-2021-21-4-758-771) [in Russia].
- Asadi, Soleiman (2022), "Arctic Geopolitical Position and Future Game Scene Preparation (Emphasizing the Role of Russia)", **Political Science Quarterly**, Vol. 17. No. 4, pp. 46-66, (doi: 10.30495/PSQ.2022.1957655.2153) [in Persian].

- Burchill, Skatt and Others (2012), **Theories of International Relations**, H. Moshirzadeh & R. Talebi, Trans.: Mizan Publishing [in Persian].
- Bezborodov, Mikhail Ivanovich (2020), "The Russian Arctic Policy in Program Documents", **Izvestiya Irkutskogo Gosudarstvennogo Universiteta**, Series: Political Science. Religious Studies, Vol. 33, pp. 58-67, (doi: 10.26516/2073-3380.2020.33.58) [in Russia].
- Chegnizadeh, Gholamali (2014), "Balance of Power and Strategic Relations between China and US", **Foreign Relations Quarterly**, Vol. 5, No. 4, pp. 227-263, (doi: 20.1001.1.20085419.1392.5.4.7.6) [in Persian].
- Dorj, Hamid and Mohammad Ali Basiri (2019), "An Analysis of Trump Administration's Approach towards the Nuclear Issues of Islamic Republic of Iran", **Journal of Security Horizons**, Vol. 12, No. 43, pp. 75- 113, (doi: 20.1001.1.25381857.1398.12.43.4.6) [in Persian].
- Dehghani Firouzabadi, Jalal and Manoochehr Moradi (2016), "The United States and the Iran-Russia Relations ", **Central Asia and the Caucasus Journal**, Vol. 21, No. 89, pp. 65-91, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_19758.html?lang=en. (Accessed on: 2016/04/22) [in Persian].
- Eilstrup Sangiovanni, Mett (2009), "The End of Balance-of-Power Theory? A Comment on Wohlforth et al.'s 'Testing Balance-of-Power Theory in World History'", **European Journal of International Relations**, Vol. 15, No. 2, pp. 347-380, (doi: 10.1177/1354066109103145).
- Ghanbari, Somayeh (2019), "Russia and the Arctic's Security Environment: Military Militarism?", **Central Asia and the Caucasus Journal**, Vol. 25, No. 106, pp. 91-119, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_37085.html? (Accessed on: 2019/08/22) [in Persian].
- Griffiths, Martin (1992), **Realism, Idealism and International Politics**, New York, Routledge.
- Gurlev, Igor Valentinovich (2020), "The Problems of Ensuring National Security of Russia in the Arctic", **The Eurasian Scientific Journal**, [online] Vol. 12, No. 3, pp.1-13, Available at: <https://esj.today/PDF/10ECVN320.pdf>. (Accessed on: 2020/09/09) [in Russia].
- Gurlev, Andrey Vladimirovich and Todorov Andrey Andreevich (2021), "Military-Political Situation in the Arctic: Hotspots of Tension and Ways of De-Escalation", **Arctic and North**, Vol. 11, No. 44, pp. 79-102, (doi: 10.37482/issn2221-2698.2021.44.79) [in Russia].
- Karimi Pashaki, Sajad and Rohullah Monem and Mohammad Sadegh Yahyapour (2015), "Geopolitics Analysis of Confronting the U.S and Russia in the Arctic", **World Politics**, Vol. 2, No. 1, pp. 153-174, Available at: https://www.interpolitics.guilan.ac.ir/article_745.html?lang=en (Accessed on: 2015/06/25). [in Persian].
- Khaleev, Roman Valerievich. (2019), "Development of the Arctic as a New Geopolitical for Russia and the World", **International Journal of the**

- Humanities and Natural Sciences**, Vol. 5, No. 4, pp. 41-44, (doi: 10.24411/2500-1000-2019-11008) [in Russia].
- Khlopov, Oleg Anatolievich (2021), "Arctic Strategy of Russia and NATO: Possible Scenarios", **Sociology**, No. 2, pp. 136-145, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/strategiya-rossii-i-nato-v-arktike-vozmozhnye-stsenarii>, (Accessed on: 2021/11/09) [in Russia].
- Konyshev, Valery Nikolaevich (2020), "Is the Arctic on the Brink of Hybrid War?", **Arctic and North**, No. 40, pp. 165-182, (doi: 10.37482/issn2221-2698.2020.40.165) [in Russia].
- Kruglov, Vyacheslav Viktorovich and Lopatin Mikhail Alexandrovich (2020), "On the Strategic Importance of the North Sea Lane", **Military Thought**, No. 9, pp. 92-102, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/o-strategicheskomy-znachenii-severnogo-morskogo-puti>. (Accessed on: 2020/09/25) [in Russia].
- Luo, Xuan (2022), "Strategic Interests of Russia and China in the Arctic", **Society: Politics, Economics, Law**, Vol. 16, No. 10, pp. 36-43, (doi: 10.24158/pep.2022.10.5) [in Russia].
- Moshirzadeh, Homeyra (2018), **Explaining and Analyzing Foreign Policy: Theoretical Foundations**. Tehran: SAMT, [in Persian].
- Niknami, Roxana (2022), "The Effects of Economic Factors on Finland's Foreign Policy towards the Russian Federation", **Central Eurasia Studies**, Vol. 15, No. 1, pp. 331-359, (doi: 10.22059/JCEP.2022.338670.450058) [in Persian].
- Pestsov, Sergey Konstantinovich (2016), "Strategy and Policy of Russia in the Arctic", **In the Map of the Pacific Ocean**, No. 45, pp. 6-19, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/strategiya-i-politika-rossii-v-arktike>. (Accessed on: 2016/11/15) [in Russia].
- Prokopiev, Mikhail Alexandrovich (2019), "Russia's Military Presence in the Arctic", **Scythian. Issues of Student Science**, Vol. 4, No. 6, pp. 69-72, Available at: <https://www.cyberleninka.ru/article/n/voennoe-prisutstvie-rossii-v-arkticheskom-regione> [in Russia].
- Proskuryakov, Maxim Ruslanovich (2022), "Arctic Geopolitics- A New Format for Dialogue", **Universum: Social Sciences**, Vol. 10, No. 11, pp. 17-24, (doi - 10.32743/UniSoc.2022.90.11.14550) [in Russia].
- Sheehan, Michael (2005), **The Balance of Power, History and Theory**, New York, Routledge.
- Stepanyan, Vadim Varuzhanovich (2021), "Russian Presidency of the Arctic Council in 2021-2023", **Skiff. Questions of Student Science**, Vol. 6, No. 7, pp. 103-106, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/predsedatelstvo-rossii-v-arkticheskom-sovete-v-2021-2023-godah>. (Accessed on: 2021/07/20) [in Russia].
- Takshid, Mohammad Reza and Morteaza Shoja (2023), "Analysis of Russian Missile Defense Systems in the Lense of Neo-Classical Realism", **Central**

- Eurasia Studies**, Vol. 15, No. 2, pp. 129-150, (doi: 10.22059/JCEP. 2023. 324174.450005) [in Persian].
- Tolstykh, Angelina Igorevna (2022), "Main Foreign Policy Strategies of Competing States in the Arctic", **Stolypinskiy Vestnik**, Vol. 4, No. 7, pp. 3760-3769, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/osnovnye-vneshnepoliticheskie-strategii-konkuriruyuschih-gosudarstv-v-arktike>.(Accessed on: 2022/07/28) [in Russia].
- Trunov, Philip (2020), "The Role of Norway in NATO Military Planning at the Present Stage", **European Security: Events, Assessments, Forecasts**, Vol. 18, No. 56, pp. 20-2, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/rol-norvegii-v-military-planirovanii-nato-na-sovremennom-etape>.(Accessed on: 2020/03/23) [in Russia].
- Uzkiy, Oleg Valentinovich (2020), "Swedish Chairmanship of the Barents Euro-Arctic Council 2017-2019: Key Results and Achievements", **Arctic and North**, Vol. 9, No. 38, pp. 91-104, (doi: 10. 37 482/issn2221-2698.2020.38.91) [in Russia].
- Voronchikhina, Daria Nikolaevna (2019), "The Arctic Council as an International Forum of the State Cooperation: The Participation of Russia", **Ars Administrandi**, Vol. 11, No. 2, pp. 306-329, (doi: 10.17072/2218-9173-2019-2-306-329) [in Russia].
- Waltz, Kenneth (2000), "Structural Realism after the Cold War", **International Security**, Vol. 25, No.1, pp. 5-41, Available at: <https://www.jstor.org/stable/2626772>. (Accessed on: 2000/06/23).
- Waltz, Kenneth (1979), **Theory of International Politics**, Addison-Wesley.
- Zhuravel, Valeriy Petrovich (2022), "The Problem of Arctic Development under the Sanction Pressure on Russia", **Scientific and Analytical Bulletin of the Institute of Europe of the Russian Academy of Sciences**, Vol. 5, No. 2, pp. 32-40, (doi: <http://dx.doi.org/10.15211/vestnikieran220223240>) [in Russia].
- Zhuravel, Valery Petrovich (2021), "NATO Threat and National Security in the Arctic", **Scientific and Analytical Bulletin of the Institute of Europe RAS**, Vol. 4, pp. 55-61, (doi: <http://dx.doi.org/10.15211/vestnikieran220215561>) [in Russia].
- Zhuravel, Valery Petrovich (2020), "New Threats to Russia's National Security in the Arctic: Problems of Counteraction", **Scientific Works of the Free Economic Society of Russia**, Vol. 226, No. 6, pp. 85-98, (doi:10.38197/2072-2060-2020-226-6-85-98) [in Russia].
- Zhuravel, Valery Petrovich (2020), "NATO in the Arctic: A Threat to Russia's National Security (2010–2020)", **Greater Eurasia: Development, Security, Cooperation**, Vol. 3, No. 2, pp. 79-84, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/nato-v-arktike-ugroza-natsionalnoy-bezopasnosti-rossii-2010-2020-gg>. (Accessed on: 2020/09/18) [in Russia].